



فاطمه رستمی گروه فرهنگ و هنر

می دانیم که میان توسعه فرهنگی واقتصاد فرهنگ در کشور با رئیس جمهوری که سکان دار دولت می شود، هیات وزرا و سیاست‌گذاری‌هایی که دنبال می‌کنند، رابطه مستقیمی برقرار است و این ارتباط دوسویه، در هنرهای نمایشی با تاکید و توجه هرچه بیشتر به جامعه علمی تئاتر (دانشگاه‌ها) و جامعه اجرایی تئاتر (سالن‌دارها)گروه‌های تئاتری)می‌تواند موجب اعتلای این هنر در کشور شود.
حالا که پس از شهادت سیدابراهیم رئیسی در آستانه انتخاباتی زود هنگام برای تعیین رئیس جمهور دولت چهاردهم در نظام جمهوری اسلامی قرار داریم، با توجه به این‌که کاندیداهای ریاست جمهوری در مناظره فرهنگی خود اشاره‌ای به موضوع تئاتر نداشتند، شاید بررسی مطالبات جامعه تئاتری که در سالیان گذشته بر اثر ترک فعل‌ها هنوز به‌عنوان دغدغه‌ها و چالش‌های همیشگی اهالی تئاتر مطرح است، خالی از لطف نباشد؛ چراکه طبیعتاً هنرمندان تئاتر نیز مانند سایر اقشار جامعه، با مشارکت پرشور در انتخابات می‌توانند ضمن برگزیدن رئیس‌جمهوری اصلاح، نه فقط موجب تعالی فرهنگ کشور شوند، بلکه این امکان برای شان فراهم می‌شود تا در دولتی کارآمد، وضعیت حرفه‌ای خود و سایر همکاران شان را نیز بهبود ببخشند.

توسعه زیرساختی تئاتر فقط سالن‌سازی نیست

طی سال‌های متمادی و دیدار هنرمندان تئاتر با عالی‌ترین مقام اجرایی کشور یعنی رئیس‌جمهورهای دولت‌های مختلف، بارها دغدغه‌هایی اهالی تئاتر را شیدیدایم؛ گرچه با تلاش دولتمردان بخشی از چالش‌ها را پشت سر گذاشته‌ایم اما هنوز تا رسیدن به نقطه مطلوب از نگاه هنرمندان تئاتری و کارشناسان و توسعه‌یافتگی فرهنگی کشور راه طولانی پیش‌روی ماست.
هراکه جامعه‌ای خواهان رشد در هر زمینه‌ای باشد، اولین قدم بر برای رسیدن به این مقصود، توسعه زیرساخت‌هاست، با این‌که بارها بر تمرکززدایی از هنر تئاتر تاکید شده و اتفاقاً تا حدی نتیجه‌بخش هم بوده، ولی می‌بینیم که هنوز هنر تئاتر در برخی شهرستان‌ها مهجور است، از سمت دیگر توسعه زیرساختی تئاتر فقط منوط به ایجاد سالن‌های جدید نیست، در شرایطی که چراغ سالن‌های نمایش موجود در استان‌های مختلف به‌دلیل مسائل اقتصادی اهالی تئاتر، هزینه‌های اجرا، عدم فرهنگ سازی در رابطه با درک ضرورت تماشای تئاتر و... خاموش است، یعنی هنوز از نظر زیرساختی و فرهنگی، توأمان با هم در این مناطق مشکلات عدیده‌ای وجود دارد.
در تهران نیز با این‌که نمایش‌های متعددی روی صحنه می‌رود و شاید اوضاع اقتصادی تئاتر خوب به نظر برسد، اما مسائلی مانند عدم رسیدگی به وضعیت سالن‌های نمایش قدیمی تر مانند سنگلج، تالار وحدت، تئاتر شهر و... نشان می‌دهد که در پایتخت نیز مانند سایر شهرها اشکالات و ضعف‌های زیرساختی تئاتر مشهود است. مدتی قبل بود که اخبار نگران‌کننده‌ای در خصوص تخریب ساختمان مجاور تماشاخانه سنگلج منتشر شد و واکنش برخی مدیران هنری و شهری را در پی داشت. همچنین جزئیات حريم تئاتر شهر بارها حواشی و دل‌نگرانی‌هایی برای اهالی تئاتر ایجاد کرده است. از سوی دیگر اداره تئاتر سال‌هاست که بسته است و اجباری درباره بازسازی آن مطرح شده که هنوز سرانجامی پیدا نکرده است.

پس مدیریت و توسعه زیرساخت‌های فیزیکی تئاتر کشور اگر شفافیت و برنامه‌روشن و پیوسته‌ای داشته باشد، شاید هنرمندان عرصه‌های گوناگون هنرهای نمایشی دائماً نسبت به وضعیت امکان تئاتری احساس ناامنی نمی‌کردند.
ضمن این‌که نباید از بی‌ثباتی مدیریتی در بخش‌هایی از مدیریت تئاتر کشور در روند بی‌قاعده توسعه زیرساختی این هنر غافل شد.

تئاتر دولتی یا خصوصی؛مسأله توازن است

یکی دیگر از نظام مسائل تئاتری‌ها در کشور، رشد بی‌رویه جریان‌های منسوب به تئاتر خصوصی است. برخی معتقدند خصوصی‌سازی فرهنگ به طور کلی بخش قابل‌توجهی از استعداد‌های هنری را نابود می‌کند. از سمت دیگر عده‌ای گمان می‌کنند وابستگی هنر به دولت‌ها جلوی خلاقیت و رشد آن را می‌گیرد.
در این‌که خصوصی‌سازی کامل تئاتر از بعد اجرایی و آکادمیک یا انکای صرف آن به دولت در هر دو صورت آسیب‌هایی به همراه دارد، جای تردیدی نیست. پس از انقلاب با رشد مراکز علمی و دانشگاهی و افزایش تعداد فارغ‌التحصیلان تئاتر نیاز به سالن‌های اجرا بیشتر شد. در حال حاضر طی چند سال اخیر و به صورت پیوسته بیش از ۸۵ درصد تئاترهای کشور در سالن‌های خصوصی روی صحنه می‌روند و طبیعتاً اجرای یک تئاتر در سالن‌های خصوصی به مراتب راحت‌تر از اجرا در سالن‌های نمایش دولتی است. ولی مهم این است که ما به شرایط متوازن بین خصوصی یا دولتی بودن تئاتر برسیم.
بیش از یک دهه از فعالیت سالن‌های خصوصی تئاتر می‌گذرد و یکی از ثمرات خیری که در این مدت برای هنر تئاتر کشور داشته توجه بیشتر اهالی تئاتر به ابعاد اقتصادی و تجاری اجرای یک نمایش است، اما از سوی دیگر به دلیل نبود تنظیم‌گری دقیق و نظارت بر عملکرد و فعالیت این سالن‌های تئاتر خصوصی، در مواردی سالن‌های خصوصی که می‌توانند برای تئاتر کشور فرصت باشند، تبدیل به تهدید شده‌اند و حتی با سوءاستفاده از نبود

«جام جم» راهبردهای مغفول مانده هنرهای نمایشی را برای نامزدهای ریاست جمهوری یادآوری می‌کند

۱۰ دغدغه زمین مانده تئاتر

نظارت دقیق، جای امنی برای انواع نمایش‌هایی با رویکرد و مضامین زیرزمینی و... شده‌اند.

از بین رفتن کارکرد استراتژیک تئاتر در کمبود بودجه

بودجه تئاتر یکی از معضلات همیشگی تئاتر بوده که تاکنون به درستی حل نشده است. اهمیت اعطای بودجه کافی به تئاتر از این روست که باید نسبت به هنرهای نمایشی نگاهی استراتژیک داشت. گرچه این مهم در سینما بهتر جا افتاده است، اما همچنان چنین نگاهی نسبت به هنر تئاتر در کشور وجود ندارد.
بدهی‌های دولت به اهالی تئاتر، بدهی خانه تئاتر به هنرمندان و... که بخشی از این بدهی‌ها در اثر ناترازی اعطای بودجه به وجود می‌آید، انگیزه هنرمندان را برای رفتن به سمت تئاتر خصوصی و اشتیاق به خصوصی کردن تئاتر بیشتر کرده است چراکه این تصور و حقیقت وجود دارد که تئاتر خصوصی در ثروت آفرینی موفق‌تر است.
در نتیجه تئاتر کارکرد خود را به‌عنوان یک ابزار فرهنگ‌ساز از دست می‌دهد و دیگر نمی‌توانیم به عنوان کالای استراتژیک روی تاثیرگذاری آن بر فرهنگ و رشد آن و مقابله با تهاجمات فرهنگی به کمک تئاتر بومی حساب بازکنیم. زیرا نگاه تجاری به حوزه‌های فرهنگی ما را از فرهنگ‌سازی دور می‌کند.

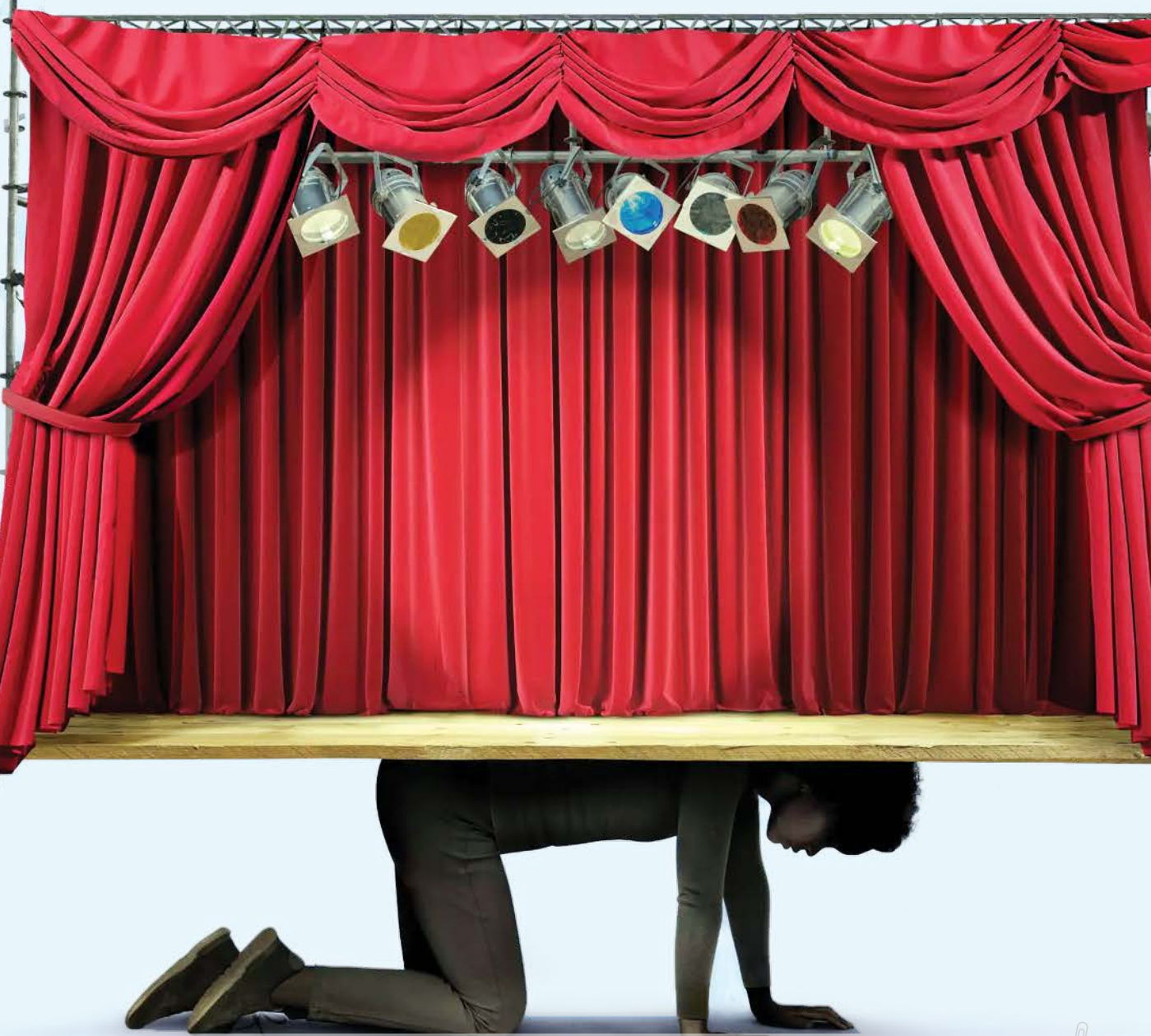
جای خالی قهرمانان بومی در نمایشنامه‌ها

تئاتر بستر خوبی برای معرفی اسطوره‌ها و قهرمان‌های ملی و مذهبی است و سینما به‌خوبی از این کارکرد هنرهای نمایشی استفاده می‌کند و حالا با توسعه بیشتر فرهنگ تماشای تئاتر در کشور، لازم است که برای

اصیل، نویسندگان صاحب‌نام و تئاتری‌های خلاق وجود دارند که هنوز برای اهالی تئاتر ایران زمین ناشناخته و بکر باقی مانده‌اند. ترجمه نمایشنامه‌هایی که در این پهنه وسیع فرهنگی تولید می‌شود، می‌تواند موج تازه‌ای در تئاتر کشور به راه بیندازد.
دراقع اجرای نمایشنامه‌هایی از هنرمندان ایران فرهنگی در کشور و اجرای نمایشنامه‌های نویسندگان ایرانی در این کشورها یک تبادل فرهنگی جدی و تاثیرگذار خواهد بود که نتایج آن در بلندمدت مشاهده خواهد شد. از سوی دیگر تمام بازار ترجمه نمایشنامه در ایران را آثار غربی به تصرف خود در آورده‌اند که به‌دلیل بیگانگی فرهنگی این نوع آثار با فرهنگ ایرانی ـ اسلامی این امکان را از هنر متعالی تئاتر در ایران گرفته‌اند که مخاطبان خود را متناسب با فرهنگ بومی خودمان پرورش دهد. همین حالا به‌راحتی امکان همکاری گسترده‌ای بین تئاتری‌های ایران ـ تاجیکستان، وجود دارد که به‌واسطه اشتراکات زبانی، ادبی و نزدیکی دو ملت بسیار زیاد است. همچنین همکاری تئاتری با کشورهای حوزه خلیج فارس با اشتراکات مذهبی، ترک‌زبانان، پاکستان، افغانستان و سایر کشورهای مستتر در مرزهای وسیع ایرانی فرهنگی میسر است و تنها کمی اراده، اعتماد به نفس و البته حمایت دولتی و هوشیاری می‌خواهد.

بازماندگی نمایش کودک و نوجوان در دهه ۶۰

اجرای تئاترهای کودک و نوجوان با مضامین متناسب با زیست‌بوم و نیازهای فرهنگی ایران اسلامی، می‌تواند زمینه‌ساز تربیت نسلی دین‌مدار و اخلاق‌گرا شود. از پیش‌شرط‌های چنین دستاورد فرهنگی توجه و اعتماد به نفس نسبت به ذخایر ادبی و فرهنگی ایران



نکته اساسی برای گره‌گشایی از مشکلات تئاتر

اگر برنامه‌ریزی در استان‌ها صورت گیرد می‌تواند به تجمیع حمایت‌ها و هم‌افزایی رویدادهای هنری در استان‌ها منجر شود. به‌طور مثال استانداری می‌تواند در طراحی رویدادهای هنری خود جایگاهی نیز برای تئاتر در نظر بگیرد و از این طریق از هنرمندان شهرستانی حمایت کند. به همین ترتیب هم باید مدیریت اماکن نمایشی در استان‌ها هم به نمایندگان انجمن‌های هنری و هنرمندان استانی سپرده شود تا جامعه هنری براساس نیاز جامعه و دورنمای حضور تئاتر شهرستان خود در دیگر استان‌ها و تهران برنامه‌ریزی کند. این موضوع مغفول در حوزه تئاتر شهرستان‌ها می‌تواند موضوع حمایت مستمر از تئاتر را برای یک‌بار برطرف کرده و موجب رشد تئاتر و تاثیر هنر نمایش بر فرهنگ عمومی بیش از گذشته شود.

فرهنگی است. تولید تئاتر کودک و نوجوان با رویکرد فرهنگ‌سازی با محتوای زندگی ایرانی، رشادتهای قهرمان‌های ملی و مذهبی، استفاده از قصه‌های بومی و قدیمی و... در ذائقه‌سازی مخاطبانی که در چنین گروه سنی حساسی قرار دارند تاثیرگذار است و می‌تواند از خودباختگی، بی‌هویتی و عدم اعتماد به نفس نسل آینده نسبت به ذخایر فرهنگی و مذهبی خودمان جلوگیری کند. وقتی به سالن‌های محدودی که مختص اجرای نمایش‌های کودک و نوجوان در کشور وجود دارد سر می‌زنیم، با اجراهایی منسوخ می‌شویم که شومب که انگار در دهه ۶۰ فریز شده‌اند در حالی‌که شیوه‌های اجرایی خلاقانه برای مخاطبان کودک و نوجوان از نظر هنرمندان تئاتر پنهان مانده و این درحالی است که والدین امروزی نسبت به گذشته درک بهتری نسبت به تاثیر تربیتی و پرورشی تماشای تئاتر در فرزندان خود دارند اما نه زیرساخت‌ها برای چنین تقاضایی افزایش کمی و کیفی داشته و نه هنرمندان تئاتری با حساسیت و دقت نظر بیشتری به اجرای این نوع تئاترها کمر همت بسته‌اند.
احتلال این شرایط نامطلوب در شهرستان‌ها ناخوشایندتر است هم که امیدواریم دولت جدید نسبت به این مسأله در تعامل با سایر دستگاه‌ها از جمله آموزش و پرورش، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و... عنایت ویژه‌تری داشته باشد.

جشنواره محوری به جای تولیدمحوری

بی‌تردید جشنواره‌های تئاتری می‌تواند با ایجاد زمینه رقابت و تعامل بین هنرمندان داخل و خارج از کشور موجب رشد و اعتلای تئاتر شود ولی جشنواره‌محور شدن هنر نمایش در نوع خود آسیبی جدی است؛ این‌که هنرمندان صرفاً برای رقابت چندروزه و بعد اجرای عموم انگیزه تولید نمایشی استاندارد داشته باشند، به مرور تئاتر کشور را از تولیدمحور به ویتترین‌نگر سوق می‌دهد. اگر نگاه مدیران و در ادامه هنرمندان تئاتر، تولیدمحور باشد، ابعاد مهمی مانند تاثیرگذاری هنرهای نمایشی در جامعه و فرهنگ‌ساز بودن این هنر بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد و خروجی تئاتر کشور به مرور و در رقابت با سایر تولیدات نمایشی با هدف تاثیرگذاری اجتماعی، درخشان‌تر خواهد شد و همین امر هنرمندان را به توسعه فردی مداوم و افزایش سطح آگاهی و دانش به‌صورت پیوسته ملزم می‌کند. این درحالی‌است که سال‌هاست تئاتر کشور درگیر جشنواره‌محوری است و تولید در عرصه نمایش هم بر همین اساس برنامه‌ریزی می‌شود.

کادر سازی، نقطه مغفول مانده تئاتر کشور

در نهایت این‌که همگام با توسعه همه‌جانبه تئاتر در ایران اسلامی، ساخت بدنه تئاتر استواری که در توفان‌ها و بیزنگاه‌های تاریخی مرعوب جریان‌های خاص نشودن یک ضرورت است. بر همین اساس کادر سازی و رسیدن به چنین دستاوردی در تئاتر کشور ابتدا نیاز به روشنگری و افزایش سطح اطلاعات و دانش هنرمندان نسبت به برخی جریان‌های ضد فرهنگی دارد.

تا زمانی که هنرمندان و اهالی تئاتر درک کاملی از ضرورت اتحاد ملی در مقابل فرهنگ‌های مهاجم نداشته باشند، نمود این آگاهی را در تولیدات آنها مشاهده نخواهیم کرد. همچنین برای انسجام در بین هنرمندان هنرهای نمایشی نیاز به حمایت دولت از این قشر احساس می‌شود تا این گروه از هنرمندان با اتکا به پشتوانه دولتی قوی، در راستای نیازهای فرهنگی کشور و نظام گام بردارند و بایبند به اصول و استراتژی‌های تعریف‌شده پیش بروند و در لحظات حساس و برتگاه‌های تاریخی ی‌ای‌شان نلغزد. همین کادر سازی می‌تواند از معضلات دیگری همچون میزبانی سلیقه‌ای که سال‌هاست تئاتر را با مشکل روبه‌رو کرده جلوگیری و یک جریان پایدار در عرصه نظارت‌ترسیم کند تا هم مدیر و هم هنرمندان بتوانند براساس شناخت در عرصه هنر نمایش فعالیت کنند.

رویکرد به کارکردهای آموزشی تئاتر

تئاتر به‌عنوان یک هنر خلاق در طول تاریخ حیات خود کارکردهای مختلفی در بحث آموزش داشته است و می‌تواند به توانمندی افراد در سنین مختلف کمک کند. بر همین اساس استفاده از هنر تئاتر با دستورالعمل‌های دولتی در مدارس، دانشگاه‌های غیرمرتبط با هنر و حتی در حوزه‌های حقوق شهروندی می‌تواند بسیاری از معضلات فرهنگی کشور را رفع کند و به‌عنوان یک ابزار فرهنگی به کمک کشور بیاید. به‌طور مثال هنر نمایش می‌تواند در دانشگاه‌های غیرهنری به ابزاری برای گفت‌مان‌های جدید و ایجاد اعتماد به نفس در میان سایر رشته‌های هنری تبدیل شود و یاد ر موضوعات استراتژیک مثل مصرف بهینه انرژی، آب، سلامت و... به شهروندان خدمت‌رسانی کند.

راز اتحاد مقاومت

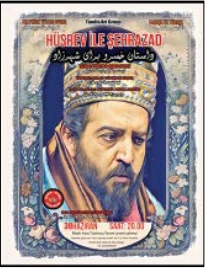
امروز حوزه مقاومت با اتحادی که بر موضوع فلسطین داشته، توانسته عصر جدیدی در دنیای نوین رقم بزند. این اتحاد حالا توانسته به وسیله رسانه‌های جدید حتی مسداي مغفلومان را به گوش جهانیان برساند و اجماعی در میان آزادیخواهان شرق و غرب پدید آورد تا چهره چنایتکار رژیم صهیونیستی را بیش از پیش بشناسند.



صحنه

نمایشی که از استانبول به تهران می‌آید

نمایش «داستان خسرو برای شهرزاد» به کارگردانی حامد شیخی پس از اجراء درآژاشات ارمنستان قرار است نهم و دهم تیر در شهر استانبول به صحنه رود و پس از آن در تهران به اجرا خواهد رفت. این نمایش در دو اجرا روزهایی شنبه نهم تیر و دهم تیر در تهران به نمایش درآید و تماشاخانه ساناتیف و یکتنبینه دهم تیر برابر با ۳۰ ژوئن در سالن ماسک کارا تئاتروسو در شهر استانبول روی صحنه می‌رود. داستان خسرو برای شهرزاد به دو زبان فارسی و ترکی توسط گروه هنری «تندیس» روی صحنه می‌رود. این اثر هجدهمین نمایش به کارگردانی حامد شیخی و بیست و هفتمین محصول گروه هنری «تندیس» است که در ماه‌های آینده در شهر تهران نیز روی صحنه خواهد رفت. حامد شیخی، ژیلآگنچه، علی پیلهور، یاسمن فاضل‌هاشمی، یاسمن تاهباز، غزل بهارستانی، بیتا جباری، مارال ابوالقاسمی، التاز رضا و مهدی هنرساناز بازیگران این اثر نمایشی هستند. عوامل این نمایش عبارتند از: نویسنده و کارگردان: حامد شیخی، تهیه‌کننده اجرای اول: فاطمه عبدالرحیمی، تهیه‌کننده اجرای دوم: میلاد قمری‌خان و ارتباط بین الملل: یاسمن تاهباز.



تماشاخانه

روایت غدیر با «او جان من است»

نمایش «او جان من است» در حالی اجرای خود را همزمان با عید قربان آغاز کرده که به یکی از رویدادهای مغفول مانده از صدر اسلام می‌پردازد. پروژه نمایشی «او جان من است» به نویسندگی ایوب آقاخانی و کارگردانی حمید حراست که اجرای خود را از شامگاه دوشنبه بیست و هشتم خرداد در تالار وحدت آغاز کرده و موضوع آن مباحله و رویداد غدیر خم است. این نمایش کاری از گروه هنری «سایه» با همکاری بنیاد فرهنگی-هنری رودکی و اداره کل هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است که تا ۱۵ تیر هر شب ساعت ۱۸ در تالار وحدت تهران روی صحنه می‌رود. انوشیروان معطمی، سیدمحمد مهدی هاشمی‌دانا، سیروس همتی، محمدجواد حبیبی، علیرضا عمرانی، علیرضا شمائی، ایوب آقاخانی و محسن تقی‌زاده از جمله هنرمندانی هستند که در گروه بازیگران این نمایش حضور دارند. بهزاد عبیدی، آهنگساز و کالی مقدم، خواننده از دیگر اعضای این پروژه نمایشی هستند.

